# افغانستان و معضل جهانی مواد مخدر

**دکتر وحيد ظهوری حسیني[[1]](#footnote-1)**

استفاده از مواد مخدر شاید به اندازه بشر قدمت داشته باشد و هنوز هیچ کس نتوانسته است تاریخ پیدایش آن را مشخص کند؛ پس هیچ قوم و ملتی نیز نمی تواند ادعا کند که مواد مخدر و استفاده از آنها در آداب و سنن و رسوم خوب و بد آن قوم وجود نداشته و مربوط به دیگر اقوام است .

یکی از علمای جانور شناسی درتحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که : حتی برخی از جانوران ، مخصوصا پرندگان ، انواع گیاهانی را مورد توجه و استفاده قرار داده اند که خاصیت تخدیر داشته به آنها نوعی آرامش موقت مي‌دهد.

اقوام وحشی و ابتدایی از این نوع گیاهان ، در مراسم مذهبی استفاده می‌نموده‌اند و امروز افراد متمدن نیز از مواد مخدر استفاده می‌كنند و کم و بیش انتظارات و توقعاتی از آن دارند.

شاعران، نویسندگان و هنرمندان معروفی نیز بوده‌اند که مواد مخدر و یا حداقل قهوه را به منظور تحریک سلسله اعصاب و خلق اثر هنری برای خود لازم می‌دانسته‌اند و شاعران در این زمينه سروده‌هایی داشته‌اند.

به هر حال، مواد مخدر یک پدیدة تازه نیستٍ؛ در همة کشورها پیشینة تاریخی دارد و زیانهای مهلک آن را همه می دانند . آنچه این پدیده را به عنوان يك بلاي جهانی، تهدیدکنندة امنیت ملی و بین‌المللی و عامل تأثيرگذار بر سلامت فکری، جسمی و اخلاقی انسانها تبدیل کرده، افزايش روزافزون، تولید، قاچاق بین‌المللی و گسترش این تجارت سیاه مرگبار و سوء مصرف آن در جهان است .

مبارزه با مواد مخدر نیز تازگی ندارد. دولتها و جامعة جهانی از 250 سال قبل تا امروز با مسئله الکل و مواد مخدر روبه‌رو بوده و مأموران مبارزه با مواد مخدر در این کشورها، و حتی کشورهای پیشرفتة جهان، با آنکه به تمام وسایل پیشرفته مجهز هستند و از تمام امکانات استفاده می کنند نتوانسته یا نخواسته‌اند از شدت رواج این مواد، مخصوصا در میان طبقه جوان، بکاهند.

پس اعتیاد و مسئلة مواد مخدر یک مشکل جهانی است که ارتباط به زمان و مکان مشخصی ندارد و مبارزه با این معضل جهانی و آفت انسانی همیاری جهانی را می طلبد و این مبارزه و همیاری باید اصولی، منطقی و مخصوصاً منطبق با رعایت موازین قانونی، اخلاقی، انسانی و بدون تبعیض باشد.

آشنایی با انواع مواد مخدر و افیونی:

تریاک[[2]](#footnote-2)، شیره و سوختة تریاک، کدئین[[3]](#footnote-3)، هروئین[[4]](#footnote-4) و مرفین[[5]](#footnote-5) شایع‌ترین مواد افیونی غیرقانونی مورد استفاده می‌باشد.

تریاک از گیاه خشخاش به دست می آید و منشأ هروئین، کدئین و مرفین نیز همین ماده است.

حشیش یا چرس[[6]](#footnote-6) هم نوعی دیگر از مواد مخدر است که از سر شاخه‌های گیاه شاهدانه[[7]](#footnote-7) به دست می‌آید. (شاهدانه در دوران باستان به گیاه اهریمن معروف بوده است.) این ماده به عنوان دروازة اعتیاد شناخته شده و مصرف‌کنندگان هروئین، تریاک و کوکائین غالبا اعتیاد را با حشیش یا چرس آغاز کرده‌اند.

کوکائین نیز ماده مخدر و افیونی ديگري است که شکل بلوری و سفیدرنگ دارد و از برگهای گیاه کوکا به دست می‌آید.

اکستاسی[[8]](#footnote-8) و ال‌اس‌دي[[9]](#footnote-9) یا قرص شادی‌بخش از انواع دیگر و جدید مواد مخدرند که به صورت دارو و به اشکال مختلف: قرص، کپسول، پودر استنشاقی و برچسبهای پوستی عرضه شده و متأسفانه هر ساله مصرف آن رو به افزایش است؛ و در حالی که مضرات آن صد برابر حشیش است ، جوانان و خانواده ها هیچ اطلاعی از عوارض آن ندارند.

و بالاخره ماری‌جوانا[[10]](#footnote-10) که از گیاه شاهدانه به دست می‌آید و نامهای مختلفی نظیر گراس، علف، بنگ، سیگاری و امثال آن دارد، نوع دیگري از مواد مخدر است.

در مجموع، مواد مخدر و استعمال آنها را می‌توان تحت سه دسته طبقه‌بندی کرد:

1. افسرده‌کننده و آرامبخش مانند (هروئین و باربیتوراتها)

2. شوق آور و محرک مانند (کوکائین و آمفتامين)

3. توهم‌زا مانند (ماری‌جوانا ، اکستاسی وLSD)

مواد مخدر و سیاست جهانی:

در آشفته‌بازار سیاسی جهان امروز که حق از باطل شناخته نمی‌شود و جنایتکار و تروریست حامی مظلومین و قربانیان تروریسم و مواد مخدر جلوه می‌کند و حتی همین قربانیان، به نام تروریست و ضد حقوق بشر، از سوي همان جنایتکاران مورد مؤاخذه و محاکمه قرار می‌گیرند، آنچه به وضوح آشکار شده این است که در پس‌پردة گسترش مواد مخدر در جهان، قدرتهای بزرگ جهانی قرار دارند؛ و حتی اکنون هم که پدیدة مواد مخدر و گسترش انواع آن به عنوان یک معضل اجتماعی، سیاسی و اخیراً به عنوان یک بحران در صحنة بین‌المللی و در سطح کشورها در دستور کار آن قدرتها قرار گرفته باز هم در عصر استعمارنو، تجارت مواد مخدر، به منظور تداوم سلطه بر مستعمرات ، جلوة دیگری یافته و از ابزارهای ضد فرهنگی برای تحمیق با ترفندهای درمانی و حربه‌های اقتصادی استفاده شده و دامنة این طرحها به تهاجم نظامی نیز کشیده شده است .

نقش دولتها و قدرتهای بزرگ در دهه‌های اخیر در گسترش مواد مخدر در جهان و فراهم کردن زمینه‌های قاچاق و ترانزیت آن در صحنۀ بین‌الملل این پدیده را به یک بلاي جهانی و معضل ملی در سطح کشورها تبدیل کرده است. جنگهای تریاک عصر حاضر، به صورت پنهان، بشر را در معرض تهدید قرار داده است و کارتلهای قاچاق مواد مخدر و دولتهای حامی آنها دنیا را به دردسر انداخته و تجارت سالم و قانونی را به فساد کشیده‌اند.

کارتلهای مدلین[[11]](#footnote-11) و کالی[[12]](#footnote-12) (دو شهر مجاور غرب و جنوب غربی بوگوتا پایتخت کلمبیا) در آمريكای جنوبی ، مافیا که شهرت جهانی دارد در اروپای شرقی ، تریادها[[13]](#footnote-13) در اروپا ، آمريكا وآسیا به ویژه در چین و هنگ‌كنگ و گروه مواد مخدر مسکو در افغانستان، لندن و لائوس ازجمله کارتلهای مطرح و عامل حمل و نقل و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر هستند که از مرحلۀ تولید تا توزیع مواد را در سطح جهانی کنترل و هدایت می‌کنند.

این باندها و گروهها از زیرساختهای مدرن عصر فعلی از قبیل کامپیوتر، ماهواره، تجهیزات مخابراتی و ارتباطی، سلاحهای سبک و نیمه سنگین، هواپیما، کشتی و انواع خودرو برخوردارند، آگاهانه گرد هم می‌آیند و دارای سازمان، تشکیلات و سلسله مراتب هستند و جهت نيل به اهداف خود، تبهکاریهای سازمان‌یافته را نیز مرتکب می‌شوند.

بنابراين، می‌توان گفت: یک رابطة مستقیم بین مواد مخدر و افزایش جنایت و خشونت وجود دارد؛ و در موارد زیادی دیده شده که درآمد حاصل از مواد ‌مخدر صرف بسیاری از خونبارترین مناقشات مسلحانه در جهان شده و می‌شود که تأثير مستقیمی بر امور اقتصادی کشورها دارد؛ زیرا هر ساله کشورها مجبور هستند هزینه‌های هنگفتی را صرف تقویت نیروهای پلیس، گشت‌زنیهای مرزی ، سیستمهای قضایی و برنامه‌های درمان و بازپروری معتادان کنند.

با ذکر چند مثال، اگر کمی به گذشته بنگریم، درمی‌یابیم که مواد مخدر چگونه در نظام سیاسی جهان وارد شده است :

1. مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار و همزمان با ورود انگلیسیها به ایران، استعمال تریاک رواج يافت. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که‌شاه جنایتکار از آمريكا دستور می‌گرفت و بعد از سابقۀ طولانی قاچاق مواد مخدر و معتاد کردن جوانان کشور، که افراد عالي‌رتبة مملکت در رأس آن قرار داشتند، مصرف انواع مواد به طرق مختلف به شدت رواج پیدا کرده بود. مشروبات الکلی یک نوع تجددمآبی و تنوع محسوب می‌شد؛ در هر کوچه و خیابان تهران و شهرستانها مغازه‌های مشروب‌فروشی در کنار باشگاههاي شبانه و بارها وجود داشت و مشروب‌فروشيها هر شامگاه هزاران تومان درآمد داشتند و اين در حالي بود كه هزاران جوان با جيبهای تهی در حالي كه قدرت حرکت و اراده را از دست داده بودند از دکه‌های فروش ام‌الخبائث خارج می‌شدند. دست تولید و توزیع‌کنندگان مواد مخدر به کلی باز گذاشته شده بود؛ چه، دستهای پلید حاکمیت هم خود در این منجلاب غوطه‌ور بود و هم دستیار باندهای بین‌المللی بود .

این جریان تا آنجا پیش رفته بود که دولت طاغوت اعلام داشت: هر خانواده‌ای که خاکستر تریاک را هرچه بیشتر به دولت تحویل دهد، مي‌تواند به قیمت دو برابر تریاک خام خریداری کند.

2. در سال 1979م که ساندينیستها[[14]](#footnote-14) در نیکاراگوئه حكومت را به دست گرفتند هنگامی که برای خرید اسلحه به دلاراحتیاج داشتند، به تجارت مواد مخدر پرداختند. بسیار مهم است که آنها در این کار تنها نبودند و سازمان سیا[[15]](#footnote-15) هم مواد مخدر راخرید و فروش می کرد تا بتواند از سود فروش آن پول به دست بیاورد و این پول را به مخالفان حکومت ساندینيستها، که کنتراها[[16]](#footnote-16) نام داشتند، بدهد. (جالب اینجاست در همین سالها بود که الیورنورث 200 میلیون دلار کوکائین وارد کشور آمريكا کرد و آن را به جوانان آمريكا فروخت تا ازسود آن جهان را از خطر سقوط نجات دهد و رییس جمهوری وقت آمريكا رونالد ریگان ازاین عملیات اطلاع کامل داشت و بر آن صحه گذاشته بود.)

3. کشور مکزیک فرستندۀ اصلی مواد مخدر به آمريكاست و از این موقعیت و سوداگری مبلغ 30 میلیارد دلار در سال ارز خارجی کسب می کند. (یعنی بسیار بیشتر از ارزآوری فروش نفت در کشورهای مهم تولید کنندۀ نفت در جهان)

4. آقای مازی تلی نمایندۀ دفتر کنترل مواد مخدر سازمان ملل[[17]](#footnote-17) می‌گوید: اطلاعاتی که ما داریم نشان می‌دهد كه محل اصلی کشت تریاک در مثلث طلایی یعنی (میانمار، لائوس و تایلند) و هلال طلایی یعنی(افغانستان، پاکستان، ترکیه، لبنان و....) که ضلع اصلی آن افغانستان است و یک گوشۀ آن هم به آمريكای جنوبی می‌رسد، می‌باشد.

به این ترتیب، مواد مخدر کاملاً و به خوبی در نظام سیاسی جهان وارد شده است و به طور کلی مصلحت سیاسی پرقدرت‌تر از پلیس و ادعاهای پرطمطراق بین‌المللی، در این صحنه اعمال نظر می‌کند و، در نهایت، مبارزۀ جهانی با مواد مخدر از سوي حكومتهاي سلطه‌جو کمرنگ و بی‌ارزش می‌شود.

مواد مخدر در افغانستان

صرف نظر از اینکه تأثيرات فرهنگی و غيرفرهنگي کشورها محدود و محصور نمانده و در طول سده‌های تاریخی، به ویژه در نقاط مرزی، راه خود را باز می‌نماید و این اصل در مورد افغانستان و همسایه‌های آن و داد و ستدها و تولید و توزیع محصولات آنها در اثر رفت و آمدها و مراودات بسیار نزدیک نیز صادق است؛ استعمال تریاک، شیره و حشیش ابتدا در شهر های مرزی افغانستان به لحاظ سابقۀ لشکرکشيهای گوناگون و حاکمیت استعمار انگلیس در شبه‌قاره (هند و پاکستان) و سیاست ترویج مواد مخدر از سوي آمريكا و حیثیت یک شاهراه تجارتی که افغانستان کسب کرده بود، رواج پیدا کرد.

گرچه سابقه استعمال مواد مخدر به صورت حشیش و تریاک را از قدیم الایام در افغانستان نیز مانند سایر کشورها و اقوام تاریخی، که قبلاً ذکر شد، نمی‌توان رد کرد؛ اما این سیاست جهانی حكومتهای مافیایی و مزدوران داخلی آنها؛ یعنی حکومتهای جابر و وابسته که در گسترش، كشت، پخش و ترويج مواد مخدر تلاش می ورزیدند و هر روز بر تلاش خود می‌افزایند را نیز باید یادآور شد که: باعث و بانی تمام آنچه اکنون از افغانستان و مواد مخدرترسیم می شود، آنها می‌باشند و متأسفانه امروز در قالب ناجی و حامی و دلسوز ملت به نابودی کشانده شدۀ افغانستان جلوه‌گری و عوام‌فریبی می‌نمایند.

دولتهای وابسته و خودکامۀ قبلی افغانستان از حمایت و كشت و توزيع مواد مخدر دو هدف عمدة جنایت‌آمیز را دنبال می نمودند:

1. تخدیر اعصاب و روان افراد کشور به منظور بار آوردن مردم به صفت انسانهای ماشینی و فرمانبردار که از هر نوع فعالیت باز داشته شوند؛

2. به زندان انداختن مخالفان آرمانی و سیاسی

این جریان که در زمان حاکمیت 40 سالۀ طاغوت در افغانستان و جمهوری داوود ادامه داشت، موجب شد زمانی که موج مخالفتها شدت يافت دولت هم به اعمال جنایتکارانه و سیل بازداشتها تحت عناوین فوق افزود تا جایی که زندانهای معمولی گنجایش نداشت. بنابراين، در زمان داوود بازداشتگاههای موقت درچهلتن چهاردهی کابل (باغ شخصی داوود)، قلعه فتوح، قلعه نبی،کاریز میر، درۀ اشرف (راه سابق کابل ـ بلخ در درۀ شکاری) و قلعه زمان‌خان در سمنت خانۀ ]كارخانة سيمان؟[ كابل، براي اين منظور ساخته شد و هزاران نفر از مردم بیگناه از قبيل دانشمندان، محققان، كارشناسان، محصلان، نویسندگان، هنرمندان و غيره را که مخالف غورزنگ ملی (حزب وابسته به داود) تشخیص می‌دادند به اتهام و عنوان معتاد، دیوانه، بيمار رواني و عصبی در این زندانها می‌انداختند.

در طول همین مدت، کشت خشخاش نیز، به ترتیب، در شهرهای هلمند، قندهار، ارزگان، ننگرهار، بدخشان، بغلان، بلخ، نیمروز و هرات، با بی‌توجهی مقامات دولتی ادامه داشت. تشکیل ریاست صحی دماغی در سال 1356 و همکاریهای سازمان تجارت جهانی[[18]](#footnote-18) و پروژه يو.ان.دي.پي[[19]](#footnote-19) در مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر هم دردی را دوا نکرد .

در سال 1357، که کودتای مارکسیستی به وقوع پیوست، سیر صعودی جریان فوق از زمان ترکی تا امین و ببرک شدت بیشتری پیدا کرد و دولت کمونیستی نیز نه‌تنها هیچ طرحی برای حل مسئلة مواد مخدر نداشت بلکه ضمن ارتباط گرفتن با باندهای مافیایی مواد افیونی، پروژه يو.ان.دي.پي را هم متوقف ساخت. قیامهاي مردم کشت خشخاش برای تأمين اقتصاد کشاورزان، توزیع مواد در بین جوانان از سوی دستهای پنهان که در داخل شهرها صورت می گرفت اوضاع كشور را بسيار وخیم ساخته بود .

نجیب، که زادگاه او نوار مرزی شرق افغانستان است، یکی از همکاران نزدیک باندهای قاچاق و تولید و كشت مواد مخدر محسوب می‌شد. وی در زمانشاه و داوود با باند تبهکار مافیا ارتباط داشت و در یکی از مراکز پخش مواد مخدر در داخل و خارج، که در آن زمان هتل نورستان در شهر نوکابل بود، فعالیت می‌کرد و با متصدی هتل در امر بسته‌بندی و جاسازی و فراهم نمودن زمینۀ انتقال و پخش مواد همکاری و نظارت داشت. وقتي كه به قدرت دست يافت، مثل اين بود كه یک باند مافیایی مواد مخدر بر اریکۀ قدرت تکیه زده؛ او هر قدر که امکان داشت به بسط و گسترش این امر دامن زد.

بدیهی است با این مقدماتی که ذکر شد و با بی‌سر و سامانی حکومت مجاهدین، طالبان نسبت به آنچه از گذشته زمینه سازی شده و به آنها ارث رسیده بود و با حمایتهایی که از آنها صورت گرفت ، طبيعي بود كه حکومتشان یک قدرت مافیایی مواد مخدر و تروریسم بین‌المللی از آب درآيد.

جامعۀ جهانی و مبارزۀ بین المللی با مواد مخدر

مشکل مواد مخدر مشکلی است که سالهاست بیشتر مردم جهان با آن دست‌به‌گریبان‌اند و روز به روز اثرات سوء و صدمات خود را بر پیکرۀ جوامع انساني وارد می‌کند؛ به طوري كه بیش از 200 میلیون نفر از جمعیت شش میلیارد نفری کرۀ زمین دچار اين بليه شده‌اند، بلايي كه از مرز كشورها گذشته و جنبه بین‌المللی به خود گرفته است. اكنون مسئله اين است كه اين بيماري چگونه درمان شود و راههای پیشگیری از آن و مقابله با آن کدام است؟

جامعه بین‌الملل، که پس از سالها شانه خالی کردن از مسئولیتها[[20]](#footnote-20) و متوجه كردن انگشت اتهام به دیگران، با هدف داشتن یک ارادۀ منسجم و واحد برای ریشه کنی تجارت مواد مخدر درهزارۀ جدید، به صورت جدی‌تری وارد صحنه شد، در بیستمین اجلاس و در نشست ویژۀ سال 1998م مجمع عمومی سازمان ملل بر سر مشکل جهانی مواد مخدر، که 170 کشور با آن درگيرند، کشورهای عضو را متعهد ساخت تا سال 2008م میزان عرضه و تقاضای مواد مخدر را به حد قابل توجهی کاهش دهند. سازمان مبارزه با مواد مخدر ملل متحد[[21]](#footnote-21) موظف شد که در جهت حل این معضل گام بردارد و برای اجرای این هدف سازوكاری در نظر بگیرد.

همچنين، دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرایم وابسته به سازمان ملل[[22]](#footnote-22) (تأسیس1997م)، که یک نهاد رهبري جهانی برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم بین‌المللی محسوب می‌شود و متشکل از دو نهاد برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر[[23]](#footnote-23) و مرکز پیشگیری از جرایم بین‌المللی[[24]](#footnote-24) است، موظف شد برنامۀ بین‌المللی کنترل مواد مخدر و اقدامات بین‌المللی در مورد تولید، قاچاق و جنایات مرتبط با آن را از طریق پروژه‌های مختلف نظیر (توسعةجایگزین)، (نظارت بر مزارع و کشت مواد) و پولشویی تقویت کند.

و بالاخره اکنون تشکلهای بین‌المللی در کنار هزاران ان.‌جي.‌ئو (NGO) و سازمانهای مردمی دیگر، فعالیت خود را بسیار جدی‌تر آغاز کرده‌اند تا اهالی زمین را از محصول گل خشخاش نجات دهند. اما به‌‌رغم وجود کنوانسیونهای بین‌المللی، تلاشهای جامعه جهانی و سازمانهای بین المللی، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر گسترش روزافزون یافته و اقدامات ملی کشورها هم در مقابله با این پدیده و مبارزه با ترانزیت آن نتیجه بخش نبوده است .

بنابراين، با نگاهی به سیر تحولات و اقدامات ملی و بین‌المللی می توان نتیجه گرفت که سیاست جهانی، امحاء پدیدۀ قاچاق مواد مخدر و مبارزۀ صادقانه با زرع و تولید آن نیست زیرا قبل از جهانی شدن مسئله مواد مخدر و کشت خشخاش در افغانستان و حتی بعد از آن و به خصوص در زمان ممنوعیت طالبان و تهاجم آمريكا به افغانستان، مقامات سازمان ملل و چند کشور اروپایی و آسیایی بارها نگرانیهای خود از افزایش تولید و عرضه مواد مخدر در جنوب شرقی آسیا را فاش کرده و گفته بودند: با مسدود شدن مرزهای افغانستان ، اکنون نگرانی اصلی از ناحیه مثلث طلایی است که می تواند بار دیگر نبض بازار تولید و فروش مواد مخدر را از درون کشورهای عضو مثلث (میانمار، تایلند و لائوس) در دست داشته باشد.

این مثلث طلایی بزرگ‌ترین و مخوف ترین مرکز تولید مواد مخدر، به ویژه هروئین و کوکائین، در جهان است و گردانندگان آن حتی نیروی هوایی و بالگردهای توپد‌ار تهاجمی دارند.

قبل از بررسی وضعیت فعلی مواد مخدر در افغانستان و هلال طلایی ، این سؤال پیش می آید که آیا UNDCP و UNODCP و NGO ها در جهان، و به خصوص در منطقۀ مثلث طلایی و آفریقای جنوبی، چقدر فعالیت صادقانه داشته و تا چه اندازه در امحاء مزارع مواد مخدر و تولیدات آن موفق بوده اند؟ و آیا اگر ملاحظات خاص سیاسی در کار نیست، چرا برای اجرای مصوبات مجمع عمومی کار مؤثری صورت نداده‌اند؟ زیرا علاوه بر افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان، این پدیده در سایر مناطق هم رو به افزایش است، و حتی در موارد اندک کاهشي که برای اعمال سیاست افزایش قیمت می‌باشد، کمبود آن از انبارهای اروپا جبران می شود و هیچ مرجعی نمی‌توانند یا نمی‌خواهد از آنها جلوگیری کنند.

افغانستان کانون اصلي مواد مخدر از طالبان تا امروز و UNDCP :

بر اساس سیاستهای شیطانی قدرتهای بزرگ، آمريكا از طریق پاکستان، طالبان را به حكومت رساند و طالبان بدون مخالفت آمريكا دست به کشت خشخاش و تولید انواع مواد مخدر و اعمال تروریستی زد و تا جایی پیش رفت که حتی دامان آمريكا را هم گرفت.

با حاکمیت طالبان در افغانستان، قاچاقچیان بین المللی و حرفه‌ای مواد مخدر، در اين كشور مكان امنی برای خود پیدا کردند و در حمل و نقل كالاي مرگ، چنان فعال شدند که گوی سبقت را از مثلث طلایی ربودند و افغانستان به نام رأس اصلی هلال طلایی معروف گشت.

این قاچاقچیان ــ که اکثر آنها در منطقۀ جلال‌آباد و قندهار به سرکردگی حاجی بشیر نو رزهی[[25]](#footnote-25)، در منطقۀ رباط بیطرف[[26]](#footnote-26) به سرکردگی محمد شهنوازی[[27]](#footnote-27)، در منطقۀ هلمند به سرکردگی محمد رسول آخوندزاده و عبدالرحمن و عبدالواحد بقرانی هنوز هم حضور دارند ــ در سال2000م با یک وضعیت بیسابقۀ محدودیتها، که از سوی طالبان وضع شده بود، روبه‌رو شدند، تا جاییکه قیمتها به 10 تا 20 برابر افزایش پیدا کرد.[[28]](#footnote-28)

با حملۀ آمريكا و سرنگونی رژیم طالبان، اوضاع دگرگون گرديد و وضع افغانستان برای رسیدن به ثباتی پایدار، دوباره آشفته شد. اولین کاری که كشاورزان منع شدۀ کشور انجام دادند کشت خشخاش بود. همه سرگرم جنگ بودند و نه‌تنها دیگر کسی مزاحم آنها نبود بلکه، پس از طالبان، بسیاری از مقامات جدید یا موافق بودند و یا مسائل مواد مخدر و کشت خشخاش را نادیده می‌گرفتند .

گل‌آقا والی قندهار، ملا رسول آخوند‌زاده والی هلمند، عبدالرحمن قوماندان (فرمانده) پلیس ارزگان که در قرقری نیمروز مستقر بود و امرالله در شیندند يك حلقۀ محکم و متحد دولتی تشکیل دادند و، با اختلافاتی که با اسماعیل‌خان والی هرات و کریم براهویی والی نیمروز داشتند، وضعیت بهتری برای ادامه و همراهی و آسوده خیالی باند های مافیایی در افغانستان به وجود آوردند. این افراد و دیگر همپیمانان‌شان، که گفته می شود از راه خرید و فروش مواد مخدر سودهای بسیار کلانی به جیب زده‌اند، هرگز مایل به از بین رفتن این منبع درآمد نبوده و نیستند.

دولت حامد کرزی هم برای از بین بردن این پدیده تا به حال فعالیت چشمگیری از خود نشان نداده است و سختگیری زیادی در این زمينه صورت نمی‌گیرد. گرچه دولت افغانستان بر ادامۀ مبارزه تا محو کامل مواد مخدر همیشه تأكيد کرده و حامد کرزی رئيس جمهور افغانستان با صدور فرمانی از وزارت کشور خواست تا زمینۀ تشکیل یک مجمع ملی مبارزه با مواد مخدر را فراهم کند و دولت هم این نشست ملی دو روزه را در مقر ریاست جمهوری و قصر سلام خانه برگزار کرده و تصمیم گرفته مرکز جدیدی به نام واحد ملی مبارزه با مواد مخدر با کمک ایالات متحده ایجاد شود و تعقیب قاچاقچیان مواد مخدر را به صورتی جدی دنبال کنند، اما مردم تصمیمات دولت در جهت امحاء کشت خشخاش را جدی تلقی نمی‌کنند .

حامد کرزی، با اظهار اینکه سرنوشت افغانستان در گرو مبارزه با مواد مخدر است، در آغاز نشست فوق نیز درسخنانی تند هشدار داد که در صورت حل نشدن مشکل مواد مخدر ، جامعۀ جهانی افغانستان را در مسیر بازسازی تنها خواهد گذاشت و تروریسم به کشور باز خواهد گشت؛ زیرا بیشترین سود از تجارت این مواد، نصیب گروههای تروریستی می‌شود.

روزنامۀ *ایندیپندنت* نيز، از قول مقامات وزارت امور خارجه بریتانیا نوشته است: میزان کشت خشخاش در افغانستان در سال 2004م، که شايد بتوان گفت بی‌سابقه است، باعث شده سیل هروئین ارزان به داخل بریتانیا سرازير شود.

این روزنامه می افزاید کشت خشخاش، که در زمان طالبان به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا کرده بود، با سقوط آنان به حدی افزایش پیدا کرده که امسال یکی از بزرگ‌ترین محصولات تریاک در دوران پس از اشغال در آن کشور تولید شده است.

خانم مارسیدن، سفیر بریتانیا در کابل، می‌گوید: 95% هروئینی که در بریتانیا به فروش می‌رسد تولید شده در افغانستان است، وی، که دولتش وظیفۀ هماهنگی تلاشهای جهانی برای مبارزه با مواد مخدر درافغانستان را به عهده دارد، از دولت افغانستان می خواهد تا دست فرماندهانی را که در قاچاق مواد مخدر فعالیت دارند از قدرت کوتاه کند.

تازه‌ترین بررسیهای اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODCP) و وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان نشان می‌دهد دو میلیون شهروند افغان، که نزدیک به 9% کل نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهد، مشغول کشت غیرقانونی مواد مخدر هستند. بررسیها نشان داده که صد هزار هکتار زمین هنوز در افغانستان هرساله زیر کشت خشخاش قرار می‌گیرد.

در گزارش هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل[[29]](#footnote-29) آمده است: تولید خشخاش در افغانستان به میزانی تقريباً بیسابقه رسیده که امنیت کشور را به مخاطره می اندازد؛ مثلاً تولید هروئین در سال 2004م، 17% رشد داشته و به 4200 تن رسیده است که 87% تریاک مصرفی در جهان را تأمين می‌کند.

آقای گوستا مدیر دفتر بين‌المللي كنترل مواد مخدر سازمان ملل می‌گوید: اكنون درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر چیزی معادل 30 میلیارد دلار در سال است؛ با این حساب قسمت اعظم پيشرفت اقتصادی افغانستان را تجارت تریاک تأمين می‌کند. دفتر سازمان ملل متحد می‌گوید: خطر وجود دارد که افغانستان بار دیگر به یک دولت ناتوان تبدیل شود، اما این بار به جهت فرو افتادن به دست کارتلهای قاچاق مواد مخدر.

ناگفته نماند که شماری از بزرگ‌ترین سازمانهاي امداد جهانی هشدار داده‌اند که نابودی یکباره کشت خشخاش در افغانستان می‌تواند بی‌ثباتی ایجاد کند و به سود رهبران مسلح محلی تمام شود. این سازمانها، که عبارت‌اند از حمایت بین‌المللی[[30]](#footnote-30) و آکسفام[[31]](#footnote-31) و مرسی کورپس[[32]](#footnote-32) ، در نامه‌ای سرگشاده، خطاب به رایس وزیر خارجۀ آمريكا، هشدار داده‌اند که نابودی مزارع خشخاش بخشهای بزرگی ازافغانستان را بیثبات خواهد کرد.

در اواخر سال 2005م یکی از همان قاچاقچیان بزرگ افغان به نام حاجي بشير نورزهي، كه قبلاً از او نام برده شد و در منطقۀ جلال‌آباد و قندهار فعالیت داشت، در سفری به آمريكا از سوي مقامات آن كشور دستگیر شد و در یک دادگاه فدرال آمريكا در سال 2006 به اتهام توطئه با هدف قاچاق مواد مخدر به ارزش 50 میلیون دلار به آمريكا مورد محاکمه قرار گرفت كه حکم آن هنوز فاش نشده است. این نکته قابل یادآوری است که بر اساس گزارشهای موجود، فعالیت و تلاش دولت افغانستان برای مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر افزایش یافته و با کشف و ضبط مقدارزیادی از مواد در ولایتهای مهم و دستگیری بعضی از اعضای باندهای فعال در کشور و تشکیل همایشها و مذاکرات داخلی و منطقه‌ای و همکاری سازمانهای بین‌المللی، یک کاهش 21 درصدی برای اولین بار در چهار سال گذشته در گزارشهای سال 1384 مطرح شده بود.

این کاهش را حبیب‌الله قادری وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان دستاوردی بزرگ خواند؛ اما رئيس عمومیUNDCP اظهار داشت که: این دستاورد می تواند موقتی باشد و امکان دارد به زودی و در جریان یک فصل دیگر این نتایج معکوس شود. اکنون می‌بینیم که بر طبق اطلاعات جدید در سال 2007 شاهد نتایج معکوس و ناکامی ناتو و انگلیس مخصوصاً در ولایات جنوبی و تحت کنترل آنها هستیم.

در ضمیمۀ شماره یک موافقتنامۀ بن در مورد قوای امنیتی و بین المللی و مسئولیت تأمين امنیت و جایگزینی آن به خود افغانها و تربیت وتجهیز قوای امنیتی و مسلح کشور و همچنين در ضمیمۀ شماره سه ردیف (6 ) آن در مورد مبارزه با تروریسم بین‌المللی و قاچاق مواد مخدر می‌خوانیم که: «از سازمان ملل متحد ، جامعه بین‌المللی و سازمانهای منطقه‌ای جداَ و مصراَ تقاضا می‌کند که با حاکمیت موقت در مبارزه با تروریسم بین المللی و کشت و قاچاق مواد مخدر همکاری کرده کشاورزان افغان را کمک مالی و مادی نماید تا کشت انواع دیگر محصولات جايگزين را در دست بگیرند.»

اکنون جاي جواب این سؤال که تا چه حد به این موافقتنامه عمل شده و نتایج آن بعد از این چند سال در این زمینه چه بوده است، خالی است؛ زیرا همۀ شواهد موجود و مستند در ابعاد مختلف امنیتی، تروریستی، و به ویژه مواد مخدر، حاکی از رشد فزایندۀ سال به سال و بي‌توجهي و بي‌تدبيري نیروها و مقامات مسئول کشوری و بین‌المللی می‌باشد؛ چنانچه، به گفتۀ مقامات مسئول، اخیراً یک رشد 57 درصدی آن اعلام شده است. بنابراين، با یک حساب سر انگشتی، رشد فعلی اعلام شدۀ مواد مخدر در افغانستان را اگر با کاهش 21 در صدی اعلام شده در دو سال قبل مقایسه کنیم، ملاحظه خواهيم كرد؛ که سیر حرکت تقريباً با سرعت سه برابر در حال افزایش است و می‌بینیم که تعهد نیروهای ناتو و مخصوصاً انگلیس در ریشه کنی آن در ولایات جنوبی کشور و دستگیری والی هلمند هیچ دردی را دوا نکرده بلکه آسیبهای اجتماعی و منطقه‌ای و آلام ملت افزایش یافته است. وضع فعلی سیاسی و حضور بیش از پیش طالبان نتایج مبارزات سازمانهای بین المللی و جامعه جهانی را زیر سؤال می‌برد.

به هر حال، در بعد اقتصادی هم اقتصاد سیاه تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان تنها بخشی از مشکل اقتصاد کشور محسوب می شود و مهم‌تر از آن، شبکه‌هایی هستند که در طول 25 سال جنگ در این کشور ارکان اقتصاد را در اختيار خود گرفته‌اند و موفق شده‌اند اقتصاد سیاه مواد مخدر را به بخشی از تولید ملی کشور تبدیل کنند؛ به طوری که امروز بانک جهانی رسماً اعلام می کند، قطع یکباره ارتباط درآمدهای ناشی از مواد مخدر از اقتصاد افغانستان، موجب سقوط اقتصاد این کشور خواهد شد و باید مسئله مواد مخدر در بلند مدت حل شود . این توصیه بانک جهانی به معنی به رسمیت شناختن اقتصاد سیاه افغانستان حداقل در یک دورۀ گذار، است.

نتیجه‌گیری

افغانستان در مورد مواد مخدر، مانند بسیاری از کشورهای جهان، دارای سابقه‌اي طولانی است؛ و با توجه به دست داشتن حكومتهای تمام دوره‌های حاكميت با باندهای بین‌المللی، امروز هم اين كشور عنوان بزرگ‌ترین تولیدکنندۀ مواد مخدر را در سطح جهان به خود اختصاص داده است.

تنوع این مواد و به ویژه انواع جدید آن در جهان متأسفانه هر ساله باعث افزایش تعداد مصرف کننده، رشد تولید و سهولت درپخش و قاچاق آن گردیده و جوانان و خانواده ها هم هیچ اطلاعی از عوارض آن ندارند.

امروز مواد مخدر حتی در سیاستهای جهانی وارد شده و به عنوان یک بلیۀ جهانی و معضل اجتماعی و سیاسی و یک بحران در صحنۀ بین‌المللی و در سطح کشورها ظاهر شده و تهدیدکنندۀ امنیت ملی و بین‌المللی است.

کارتلها، مافیاها، تریادها و سایر گروهها و باندهای بین‌المللی مواد مخدر در جهان فعال‌اند و همۀ امکانات و تجهیزات پیشرفتۀ نظامی و اطلاعاتی امروزی، از رايانه گرفته تا نیروی هوایی و امثال آن، را در اختیار دارند.

مراکز مهم و اصلی مواد مخدر در جهان، که اين مواد را از تولید تا توزیع در سطح جهان کنترل و تأمين می‌کنند. مثلث طلایی (میانمار ، لائوس، تایلند)، هلال طلایی (افغانستان ، پاکستان ، ترکیه ، لبنان و ....) و نیکاراگوئه ، کلمبیا و مکزیک می باشد .

فعالیتهای جهانی سازمان ملل در جهت مبارزه ، کنترل ، پیشگیری و استعمال غیر قانونی مواد مخدر، که در سال 1909 م نهادینه شده بود ، به تدریج با محدود کردن آن به اهداف خاص به علت گسترش پردامنة خطرات جهانی آن، در سال 1998م به نشست ویژۀ سازمان ملل در این خصوص و به ویژه در زمينه قاچاق مواد مخدر انجامید و سازمانهای بین‌المللی UNDCP, CICP, UNODCP و دولتهای عضو موظف شدند با مبارزۀ پیگیر تا سال 2008م میزان عرضه و تقاضای مواد مخدر را به حد قابل توجهی کاهش دهند.

در افغانستان، بعد از حملۀ آمريكا و همزمان با سرنگونی طالبان که کاهش کشت و تولید مواد مخدر را شاهد بودیم ، متأسفانه در سالهای بعد از آن كشت و توليد اين مواد به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرد و با استفاده از فرصتهای مناسب و همکاریهای قدرتمداران داخلی و منطقه‌ای کشور (که یکی از آنها به نام نورزهی به عنوان قاچاقچی بزرگ افغان اخیراً در آمريكا دستگیر شد) و تقاضای جهانی، زمینۀ مناسب رشد به وجود آمد كه هنوز ادامه دارد.

حامد کرزی در آغاز نشست ملی مبارزه با مواد مخدر، که در کابل تشکیل شد، طی سخنان تندی هشدار داد که در صورت حل نشدن مشکل مواد مخدر، جامعه جهانی افغانستان را در مسیر بازسازی تنها خواهد گذاشت و تروریسم به کشور باز خواهد گشت.

از طرف دیگر، شماری از بزرگ‌ترین سازمانهاي امداد جهانی مخالفت خود را نابودی مزارع کشت در افغانستان اعلام کرده و هشدار داده‌اند که نابودی یکباره کشت خشخاش می تواند بی‌ثباتی ایجاد کند.

به هرحال، می‌بینیم که اقتصاد سیاه یا منافع اقتصادي حاصل از تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان و عاملین آنها که آن را به بخشی از تولید ملی کشور تبدیل کرده اند مهم ترین مشکل اقتصادی افغانستان محسوب می‌شوند. كار به جایی رسیده است که بانک جهانی رسماً اعلام می دارد: قطع یکبارۀ آن موجب سقوط اقتصاد کشور خواهد شد و بدین نحو آن را به رسمیت شناخته است.

در پایان، راهکارهای عملی‌اي برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان پیشنهاد شده است که، باتوجه به گستردگی این میراث شوم، همکاریهای صادقانه، هماهنگ، اصولی و منطقی ملی و بین المللی را می طلبد تا با شناسایی و نابودی مزارع کشت و چالشهای فراروی این مبارزه و امکانات کشت جایگزین و انجام دادن وظایف سازمانهای بین المللی ذیربط و آگاهیهای عمومی و تشکیل و آموزش و تربیت پلیس نیرومند ، زمینه برای حصول نتیجه‌ای مثبت در مبارزه با این آلودگی مهیا شود. بنابراين، این امر مي‌تواند آغاز اصلاح اقتصاد ملی کشور و امنیت اقتصادی جامعه و حذف اقتصاد سیاه به حساب آید.

راهکارهای عملی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان

منازعات و جنگهاي 25 ساله در افغانستان و حاکمیتهای خودمحور و مستبد گذشته میراث شومی از خود به جا گذاشته‌‌اند که امروز متأسفانه باید نیروی عظیم و گسترده‌اي در کشور با همکاریهای جهانی صرف شود و، با طرح راهکارهایی اساسی و سنجیده، برای رهایی ملت از بند این پدیدۀ شوم عملیات اجرایی صورت گیرد.

با توجه به گستردگی وضعیت موجود مواد مخدر در افغانستان و جهان، مبارزه با آن كار ساده‌ای نیست و، همانطور که سازمانهای بین‌المللی و جهانی و دولتهای کوچک و بزرگ دنیا ادعا می‌کنند، باید انتظار داشت که با صداقت، هماهنگي، اصولی و منطقی در جهت رفع این آفت همه‌گیر حرکت کنند.

در افغانستان، اول باید چالشهای فراروی کشور در مبارزه با کشت ، تولید و قاچاق مواد مخدر شناسایی شود و با همکاری مجامع بین‌المللی نسبت به موارد زیر اقدام صورت ‌گیرد ، به شرطی که دست کارتلهای داخلی از دخالت کوتاه گردد.

1. مزارع کشت خشخاش شناسایی، بررسی و نابود شود و با کسب رضایت زارعان و با دادن امتیازهای لازم به آنها در مورد کشت جایگزین ، هدایت و همکاری کافی در نظر گرفته شود؛

2. دولت و نهادهای بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی (WHO) UNODCP ، INCP ، UNDCP ، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی[[33]](#footnote-33)، سازمان گمرکات جهانی[[34]](#footnote-34) ، کمیسیون هوانوردی بین‌المللی[[35]](#footnote-35) ، سازمان بین‌المللی کار[[36]](#footnote-36) ، سازمان خوراك و کشاورزی[[37]](#footnote-37) یونسکو، یونیسف و امثال آن با حمایت NGO های محلی نه خارجی، نسبت به آموزشهای لازم، تبلیغات ، معالجه و بازپروری معتادان، تعقیب و دستگیری اعضا و سران باندهای تولید و قاچاق، بررسیهای دقیق گمرکی، کنترل هوایی، ایجاد کار و اشتغال مفید و مؤثر و، همان‌طوری که در قطعنامه پایانی همایش ملی مبارزه با مواد مخدر درکابل آمده است ، ممنوعیت قانونی تولید مواد مخدر که با ممنوعیت اعتقادی همراه باشد، اصلاحات قضایی، آگاهیهای عمومی و تلاش در جهت کاهش تقاضای بین‌المللی، اقدام جدی به عمل آید؛

3. تشکیل و آموزش و تربیت پلیس نیرومند برای مبارزه با مواد مخدر؛

4. عزل اعضای بلندپایۀ دولت که با این معضل و پدیدۀ شوم ارتباط دارند و چالش عمده ای برای این مبارزه به حساب می‌آیند؛

5. اصلاح اقتصاد سیاه و جداسازی آن از اقتصاد ملی کشور؛

6. ایجاد امنیت اقتصادی و مشروعیت شغلی؛

7. عدم فراموشی و غفلت جامعه جهانی و دولتهای دوست و دلسوز مردمی نسبت به کشوری که هر لحظه می تواند تهدیدی باشد و جهانیان را به مخاطره اندازد.

1. كارشناس حقوق و عضو مؤسس بنياد فرهنگي كوثر [↑](#footnote-ref-1)
2. 1. opium [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. codeine [↑](#footnote-ref-3)
4. 3. heroine [↑](#footnote-ref-4)
5. 4. morphine [↑](#footnote-ref-5)
6. . Indian hemp-juice 5 [↑](#footnote-ref-6)
7. 6. hemp-seed [↑](#footnote-ref-7)
8. 1. ecstasy [↑](#footnote-ref-8)
9. 2. LSD [↑](#footnote-ref-9)
10. 3. mari juana [↑](#footnote-ref-10)
11. 1. Medellin [↑](#footnote-ref-11)
12. 2. Cali [↑](#footnote-ref-12)
13. 3. Triad [↑](#footnote-ref-13)
14. 1. Sandinist [↑](#footnote-ref-14)
15. 2. CIA [↑](#footnote-ref-15)
16. 3. Contras [↑](#footnote-ref-16)
17. 1. UNPCP [↑](#footnote-ref-17)
18. 1. WHO [↑](#footnote-ref-18)
19. 2. UNDP [↑](#footnote-ref-19)
20. 1. بعد از پديد آمدن گسترده و جدی خطرات جهانی استعمال مواد مخدر، مبارزه با آن در پی کميسیون تریاک در سال (1909 م) در شانگهای چین نهادینه شد و، با گذشت زمان، کنوانسیونهای متعدد سازمان ملل فروش و استعمال مواد مخدر را به اهداف پزشکی محدود کردند. این کنوانسیونها به صورت یک کنوانسیون واحد موسوم به کنوانسیون (سال 1961م) مواد مخدر درآمدند. پس از آن، این کنوانسیونها با افزودن کنوانسیونهای دیگر تکمیل شد و یک سیستم کنترل بین‌المللی بر مواد مخدر به وجود آمد و فهرستی از مواد مخدر که استعمال آنها غیرقانونی است، تهیه شد. به همین جهت، عبارت «استعمال مواد مخدر» به «استفادۀ غیرقانونی هر گونه ماده مخدری که در کنوانسیونهای فوق آمده» تغیر کرد. آخرین کنوانسیون مصوب در سال (1998م)، «قاچاق مواد مخدر» را مورد نظر قرار داده و شامل راهکارهایی برای مبارزه با پولشویی و تبدیل مواد شیمیایی برای ساخت مواد مخدر می باشد.) [↑](#footnote-ref-20)
21. 2. UNDCP [↑](#footnote-ref-21)
22. 3. UNODCP [↑](#footnote-ref-22)
23. 4. UNDCP [↑](#footnote-ref-23)
24. 5. CICP [↑](#footnote-ref-24)
25. 1. این قاچاقچی بزرگ در اواخر سال 2005م در آمريكا دستگیر شد. [↑](#footnote-ref-25)
26. 2. جنوب غربی کشور [↑](#footnote-ref-26)
27. 3. حاج عیدو [↑](#footnote-ref-27)
28. 4. در سال 2000م ملا عمر، به منظور به دست آوردن وجهه بین‌المللی و گرفتن یک کرسی در سازمان ملل، طی حکمی کشت خشخاش و تولید مواد مخدر را در خاک افغانستان ممنوع اعلام کرد و در این اندیشه بود که، اگر سازمانهای بین‌المللی کمک کنند، خرید و فروش را هم ممنوع کند. او آنقدر مقتدرانه رفتار کرد که علاوه بر جلب تحسين مقامات و مردم جهان، وضع قاچاقچیان و كشت‌كنندگان خشخاش در سراسر کشور را به مخاطرۀ جدی نابودی انداخت. در آن زمان، اگر کشاورز افغان زمینی را زیر کشت خشخاش می برد از طرف نیروهای ملا عمر به شدت مجازات می‌شد و زمین زراعی‌اش را با بلدوزر خراب می کردند و حتی هزینۀ تخریب را هم از او می‌گرفتند. [↑](#footnote-ref-28)
29. 1. UNDCP [↑](#footnote-ref-29)
30. 1.CARE [↑](#footnote-ref-30)
31. 2. OXFAM [↑](#footnote-ref-31)
32. 3. Mercy Corps [↑](#footnote-ref-32)
33. 1. Interpol [↑](#footnote-ref-33)
34. 2. WCO [↑](#footnote-ref-34)
35. 3. ANC [↑](#footnote-ref-35)
36. 4. ILO [↑](#footnote-ref-36)
37. 5. FAO [↑](#footnote-ref-37)